

Espionage in Modern International Law and Necessity of Codification of Global Provisions

(Type of Paper: Research Article)

Mahmood Jalali*

Abstract

Espionage has been exercised throughout world history. By the new advancements in technology and emergence of the phenomenon of terrorism and taking necessary measures against it, however, it has gained its particular complexities and leading to many international disputes. International law distinguishes between peacetime and wartime espionage. In peacetime, it applies principle of separation of national and international jurisdictions and consequently that of State equality. Therefore, any intervention including through espionage entailing aggression against State national jurisdiction is considered as unlawful. The principle of equality of States implies non-intervention by states in the internal affairs of other states. In a legal order there exist certain instances of justified interventions including through espionage such as interventions permitted by the UN Security Council when collective peace and security of the world demands; intervention for self-defence; intervention by invitation; and intervention for humanitarian and human rights purposes. In war time, under certain circumstances, espionage is recognized as a legitimate ruse of war. There is an urgent need to have a world document for codification of provisions governing espionage and its new forms including cyber espionage and espionage through information technology. Espionage has become a global issue and therefore a new treaty can identify the instances of legitimate and illegitimate espionage.

Keywords

Principle of Non-Intervention, Espionage, International Law, Law of Armed Conflict, International State Responsibility.

* Associate Prof., Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Emails: m.jalali@ase.ui.ac.ir, dm_jalali@yahoo.com
Received: September 20, 2016 - Accepted: February 17, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

جاسوسی در حقوق بین‌الملل مدرن

و ضرورت تدوین مقررات جهانی

(نوع مقاله: علمی _ پژوهشی)

محمود جلالی*

چکیده

جاسوسی در اعصار مختلف در عرصه جهانی وجود داشته است. اما با تحولات نوین در فناوری و پیدایش پدیده تروریسم و ضرورت مقابله جهانی با آن، پیچیدگی خاص خود را پیدا کرده که خود اختلافات بین‌المللی زیادی را سبب شده است. در حقوق بین‌الملل میان «جاسوسی در زمان جنگ» و «جاسوسی در زمان صلح» تفکیک خاصی صورت گرفته است. هنگام صلح، تمایز میان قلمرو ملی و بین‌المللی و در نتیجه «اصل برابری حاکمیت» جاری است و هر گونه مداخله از جمله از طریق جاسوسی که دربردارنده تجاوز به قلمرو ملی شناخته شود، غیرقانونی خواهد بود، زیرا «اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها» به‌طور ضمنی «عدم مداخله» دولت‌ها در امور یکدیگر و استقلال آنها را نشان می‌دهد. در عین حال، مصادیق شناخته‌شده‌ای از مداخلات قانونی از جمله از طریق جاسوسی در نظام نوین بین‌المللی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان از مداخله مآذون از طرف شورای امنیت به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مبارزه با تروریسم، مداخله برای دفاع مشروع، مداخله با دعوت و مداخله به دلایل بشردوستانه و حقوق بشر نام برد. جاسوسی در راستای موارد مذکور با شرایطی مواجه است. از طرف دیگر، «جاسوسی در زمان جنگ»، با رعایت شرایطی، به‌عنوان یک «ترفند جنگی» اصولاً به رسمیت شناخته شده است. با وجود تلاش‌های زیاد، هنوز معاهده‌ای جهانی در مورد جاسوسی به‌خصوص در شکل‌های جدید همچون جاسوسی سایبری و جاسوسی منجر به نقض حریم خصوصی اشخاص وجود ندارد. این در حالی است که جاسوسی به معنای واقعی جهانی شده و لازم است مقررات متحدالشکل، موارد مشروع و نامشروع آن را مدون سازد.

کلیدواژگان

اصل عدم مداخله، جاسوسی، حقوق بین‌الملل، حقوق مناصمات مسلحانه، مسئولیت بین‌المللی دولت.

* دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir, dm_jalali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

مقدمه

مسئله جاسوسی^۱ یک کشور علیه کشور دیگر، در طول تاریخ روابط بین‌الملل همواره رایج بوده^۲ و ضمانت اجرای جلوگیری از آن اغلب عذرخواهی کشور مقصر، اخراج جاسوس از کشور قربانی، دستگیری و مبادله وی و حل‌وفصل دیپلماتیک قضیه بوده است (ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک و ماده ۳۰۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در مورد کشتی‌های جاسوس). با این حال، این پدیده هنوز در پس فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک، موضوعی ناشناخته و مبهم است. درباره این موضوع، بتک و هورال می‌نویسند: «عجیب و غیرعادی است که در خصوص تاریخچه سرویس‌های اطلاعاتی مطالب چندان مهم و اساسی منتشر نشده است» (Betke & Horrall, 1992: 1). در پاسخ باید گفت شاید این امر خیلی هم عجیب نباشد، زیرا ماهیت جاسوسی، که قسمتی از فعالیت‌های معمولی سرویس‌های اطلاعاتی همه کشورهای است، این امر را ایجاب می‌کند. در حقوق بین‌الملل نیز این پدیده از مدت‌ها پیش مورد توجه قرار گرفته، اما همچنان ابعاد مختلف آن بسیار مبهم مانده است، به نحوی که در سال‌های اخیر قضیه جولیان آسانژ^۳ و افشای‌های او در مؤسسه ویکی لیکس، همچنین، ادوارد اسنودن^۴، پیمانکار سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و درز کردن اطلاعات سری دستگاه‌های جاسوسی آمریکایی، و شنود غیرقانونی «آژانس امنیت ملی آمریکا» (ان اس ای)^۵ و استفاده گسترده این کشور از هواپیماهای بدون سرنشین معروف به پهپاد^۶، بار دیگر مسئله جاسوسی و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل را به بحثی جدی میدل کرده است. در ۲۸ اسفند ۱۳۹۲ گزارش شد که روزنامه واشنگتن پست نوشته است آژانس امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۹ سیستم شنود تلفنی را ابداع کرده است که با آن می‌توان همه مکالمات تلفنی یک ماه یک کشور خارجی را شنود و ضبط کرد. آژانس امنیت ملی آمریکا در نشست‌های داخل سازمانی، برای معرفی این برنامه که Mystic نام دارد، از یک «جادوگر عصا به دست» استفاده کرده که در بالای عصای آن یک تلفن همراه دیده می‌شود که قادر به ضبط تمامی مکالمات تلفنی در شبکه سراسری یک کشور است. ادوارد اسنودن که اطلاعات مربوط به این سیستم را برای اولین بار افشا کرد، قول داد جزئیات بیشتری از این برنامه را منتشر کند. گروه‌های مدافع حقوق مدنی در آمریکا که طرفدار حقوق بنیادین بشر از جمله حق حریم خصوصی شهروندان هستند، استفاده از چنین برنامه‌ای را «تکان‌دهنده» خوانده‌اند.

1. Espionage

۲. به همین دلیل گفته شده است که «هیچ‌گاه جنگی نبوده که در آن جاسوسی نباشد و هیچ‌گاه صلحی نبوده که جاسوسان در آن در حال آماده‌سازی خود برای جنگ آینده نباشند» (د. سینگر، ۱۹۴۸).

3. Julian Paul Assange

4. Edward Snowden

5. US National Security Agency (NSA)

6. Drone

امروزه جدای از جاسوسی‌های غیرمجاز و برخورد کیفری داخلی از طرف کشور قربانی، برخی اشکال جاسوسی مثلاً جاسوسی با کشتی، زیردریایی و هواپیما و جاسوسی در فضای مجازی، بحث «دفاع مشروع» از طرف کشور قربانی را به وجود آورده است. از نظر برخی کشورها این‌گونه جاسوسی «تجاوز» محسوب می‌شود و از این‌رو ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد اجازه دفاع در مقابل این‌گونه تجاوز را به کشور قربانی جاسوسی می‌دهد (Baker, 2004: 1095). این امر طرح بحث «دفاع مشروع پیش‌دستانه» و مسئله جمع‌آوری اطلاعات از طریق جاسوسی را مهم‌تر کرده است. از طرفی در دنیایی که با تهدید تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی مواجه است، اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق جاسوسی و مشارکت اطلاعاتی کشورها در برخی موارد مانند تروریسم، قاچاق مواد مخدر، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و جنایات خطرناک بین‌المللی می‌تواند به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک کند، زیرا برای جلوگیری و کاهش اصطکاک بین‌المللی جمع‌آوری این اطلاعات را در جهت منافع جامعه جهانی ضروری می‌سازد. همه اینها انجام پژوهش در مورد جاسوسی را ضروری می‌نماید.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف پاسخ به پرسش‌های زیر نگارش یافته است: از نظر حقوق بین‌الملل جاسوسی چیست؟ آیا حقوق بین‌الملل جاسوسی و همه اشکال سنتی و مدرن آن را مجاز می‌داند؟ در چه مواردی ممکن است جاسوسی مشروع تلقی شود؟ در صورتی که جاسوسی مشروع نباشد، چه عواقب و مسئولیتی را در پی خواهد داشت؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، مفهوم جاسوس و جاسوسی از نظر حقوق بین‌الملل بحث و مشروعیت جاسوسی بررسی می‌شود. بدین‌منظور جاسوسی در زمان جنگ^۱ و جاسوسی در زمان صلح^۲ تفکیک و مورد مذاکره قرار می‌گیرد. از آنجا که جاسوسی و اصل عدم مداخله رابطه نزدیکی دارند، در قسمت بعد به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل در مورد عدم مداخله در امور داخلی کشورها از جمله از طریق جاسوسی و مصادیقی از مداخله قانونی پرداخته شده است. با توجه به اعمالی که جاسوس به‌عنوان یکی از اتباع دولت، خواه به‌عنوان مأمور رسمی، خواه به‌عنوان شخص معمولی، مرتکب می‌شود، در قسمت بعد در خصوص مسئولیت دولت‌ها ناشی از جاسوسی بحث می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد تحولات سال‌های اخیر در زمینه جاسوسی و اشکال جدید آن، نیاز به تدوین و تصویب مقررات جدید حاکم بر جاسوسی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. از این‌رو بررسی این موضوع قبل از نتایج تحقیق خواهد آمد.

عناصر اصلی تشکیل‌دهنده جاسوسی در حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل مفهوم جاسوسی را روشن‌تر کرده و تمایزی ایجاد می‌کند که موجب ارائه تعریف دقیق‌تری از جاسوسان خواهد شد. برای تعریف حقوقی از جاسوسی در حقوق بین‌الملل

1. Wartime Espionage
2. Peacetime Espionage

«کنوانسیون‌های بین‌المللی» به‌خصوص مقرراتی که به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی مربوط می‌شود، به‌عنوان عنصر قانونی باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا این اسناد که دو مورد آنها در ذیل ذکر می‌شود، به‌طور غیرمستقیم استفاده قانونی از اقدامات جاسوسانه را در زمان جنگ به رسمیت می‌شناسد.

مورد اول «کنوانسیون احترام به حقوق و عرف‌های جنگی» لاهه ۱۹۰۷ است.^۱ این کنوانسیون در سال ۱۹۱۰ اجرایی شد و الحاقیه‌ای دارد که شامل آیین‌نامه مربوط به حقوق و عرف‌های جنگی است. در این الحاقیه، ذیل فصل دو (جاسوسان) از بخش دو (عملیات جنگی) در ماده ۲۹ بیان می‌دارد که یک فرد تنها زمانی جاسوس تلقی می‌شود که مخفیانه یا با ظاهری دروغی، اطلاعاتی را به‌دست آورد یا برای به‌دست آوردن آن تلاش کند و این اقدام در عملیات جنگی و با قصد ابلاغ آن به طرف متخاصم صورت گیرد (McDonald, 1919-1922: 11). در نتیجه، سربازانی که لباس مبدل نپوشیده‌اند و به‌منظور کسب اطلاعات وارد منطقه عملیاتی طرف متخاصم شده‌اند، جاسوس محسوب نمی‌شوند.

مورد دوم «پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه» است. ماده ۴۶ پروتکل از عبارت جاسوس و عناصر تشکیل‌دهنده آن تعریفی ارائه داده است. عضو نیروی مسلح طرف متخاصم را که در مرزهای طرف دیگر جنگ، به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد یا برای جمع‌آوری اطلاعات تلاش می‌کند، اگر هنگام جمع‌آوری اطلاعات در پوشش نیروی نظامی خود باشد، نمی‌توان جاسوس محسوب کرد. اگر آن عضو نیروی نظامی از ساکنان قلمرو سرزمینی باشد که توسط طرف دیگر مورد تجاوز قرار گرفته و از جانب طرف متخاصمی که به آن وابسته است، به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد یا اقدام به جمع‌آوری اطلاعاتی می‌کند که ارزش نظامی دارد است، جاسوس محسوب نمی‌شود، مگر اینکه این عمل را در پوشش مبدل و آگاهانه انجام داده باشد. چنین شخصی از حقوق «اسیر جنگی» برخوردار خواهد بود و با او به‌عنوان جاسوس برخورد نمی‌شود. اگر عضو نیروی نظامی طرف متخاصم، مقیم قلمرو سرزمینی که مورد تجاوز قرار گرفته است نباشد، اما مشغول به جاسوسی در آن قلمرو باشد، حق خود به‌عنوان اسیر جنگی را خواهد داشت، مگر آنکه پیش از ملحق شدن به نیروی نظامی خود، دستگیر شود.

بنابراین، استفاده از «لباس مبدل» و «تظاهر دروغی»، از عناصر اساسی فعالیت جاسوسان است (ساریخانی، ۱۳۸۴: ۵۸). حتی در سال ۱۸۶۳، مفهوم جاسوس شامل این دو عنصر بوده است؛ در این زمان، جاسوس شخصی است که مخفیانه با لباس مبدل یا با پوشش و ظاهری دروغی در جست‌وجوی به‌دست آوردن اطلاعات است، با این قصد که آن را به دشمن برساند. به‌علاوه، مجازات جاسوس، اعدام است و فرقی نمی‌کند که در به‌دست آوردن اطلاعات یا ابلاغ

1. Hague Regulations Respecting the Laws and Customs of War on Land

آن به دشمن موفق باشد یا نباشد (Lieber & Hitchcock, 1863; Halleck, 1911: 12). برخی معتقدند این دو عنصر از عناصر اساسی «جاسوسی نظامی» است.^۱

در زمینه جاسوسی در زمان صلح، کوهن، جاناتان و کاور در مقاله خود جاسوسی را به‌عنوان تخلف و عدول غیرقانونی از حقوق بین‌الملل تحلیل کرده و عناصر ضروری جاسوسی را ارائه داده‌اند. از نظر آنها برای تحقق این جرم وجود سه عنصر ضروری است (Cohen et al., 1960):

(۸) عنصر مادی^۲ که مربوط به «فعل مجرمانه» است. سرویس‌های اطلاعاتی معمولاً به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات دول دیگر «اقداماتی انجام می‌دهند». این اطلاعات سری است و برای سیاست‌گذاری، اساسی محسوب می‌شود. جاسوسی در زمان‌های بسیار دور تنها «اطلاعات نظامی» را نشانه رفته بود، اما از زمان تشکیل ارتش‌های دائمی، «جاسوسی اسرار دیپلماتیک»، بیش از پیش اهمیت یافته است. در حقیقت، امروزه جاسوسی نظامی بیشتر جنبه «دیپلماتیک» دارد، و دولت‌ها سعی بر دانستن افعال و مقاصد دولت‌های دیگر به‌منظور برنامه‌ریزی عملکرد و اقدامات خود دارند. همچنین امروزه، جنگ پاسخی است به منازعات اقتصادی، و در نتیجه «جاسوسی اقتصادی»، بخش وسیعی از عملیات سرویس‌های اطلاعاتی شده است، چراکه دریافته‌اند «اطلاعات اقتصادی و صنعتی» از اهمیت زیادی در سیاست دولت‌ها برخوردار است. در نتیجه جاسوسی اقتصادی به‌همراه جاسوسی نظامی و دیپلماتیک بخشی از عنصر مادی جاسوسی است. عنصر معنوی یا روانی^۳، به‌عنوان عنصر دوم، «قصد واقعی» انجام دادن جاسوسی است. این جرم مستلزم آن است که جاسوس، قصد جاسوسی داشته باشد. همچنین اغلب دولت‌ها «شروع به جرم جاسوسی» را جرم می‌شناسند. البته در اینجا نیز باید به تمایز «جاسوسی در زمان جنگ» و «در زمان صلح» که بعداً بحث خواهد شد، توجه داشت، زیرا در زمان صلح نیازی نیست که متهم الزاماً در پوشش مبدل دستگیر تا محکوم شود. در نهایت عنصر سوم جرم جاسوسی، عنصر شخصی است^۴، یعنی باید مشخص شود «منتفع» و «قربانی» جاسوس چه کسانی هستند. در جاسوسی، قربانی معمولاً دولتی است که جاسوسی در حیطه قلمرو آن انجام گرفته است. ساختار دولت می‌تواند بر هویت قربانی تأثیرگذار باشد، زیرا بعضی دولت‌ها مانند دولت‌های فدرال، از لحاظ تقسیمات کشوری به استان‌ها، ایالات یا مناطقی تقسیم

۱. از این رو شرط تحقق جاسوسی، «علم» و «عمد» داشتن مرتکب است. اولاً جاسوس باید «بداند» اسراری را که در اختیار دیگران قرار می‌دهد، مدارکی سری و مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور است و افرادی که او این مدارک را در اختیار آنها قرار می‌دهد، صلاحیت دسترسی به آن مدارک یا مطلع شدن از آنها را ندارند؛ ثانیاً جاسوس باید در عمل خود «عمد» داشته باشد، یعنی این مدارک را سهواً و از روی اشتباه یا بی‌دقتی و بی‌مبالاتی، در اختیار افراد ناصالح قرار نداده باشد (پیمانی، ۱۳۸۰: ۲۷).

2. Material Element
3. Mens Rea
4. Personal Element

می‌شوند و به‌جای اینکه کل دولت قربانی شناخته شود، هریک از این واحدها قربانی واقعی جاسوسی‌اند. از طرف دیگر، معمولاً در حقوق جزا، لازم نیست «منتفع» از جرم حتماً یک دولت باشد، بلکه می‌تواند «شخص ثالثی» از یک سازمان بیگانه باشد. از این‌رو گسترش تعداد سازمان‌های بین‌المللی و افزایش میزان فعالیت و صلاحیت آنها سبب شده تا منتفعان بالقوه جاسوسی، اشخاص دیگری غیر از دولت‌ها یا نیروهای نظامی هم باشند.

از منظر رابطه جاسوسی و حقوق بشر، هرچند عده‌ای سعی در پنهان کردن مفهوم جاسوس در لوای «اصل آزادی اطلاعات»^۱ براساس ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر دارند که می‌گوید هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق شامل داشتن آزادی عقیده و نیز جست‌وجو، دریافت و پخش اطلاعات و افکار از هر رسانه‌ای و بدون ملاحظه مرزهاست، اما بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه اجازه اعمال محدودیت‌های ملی و حاکمیت سرزمینی نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های مذکور را می‌دهد.^۲

مشروعیت جاسوسی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

هر دولتی سرویس جاسوسی برای جمع‌آوری اطلاعات مخالفان خود را دارد و برای این کار پیوسته حقوق داخلی کشور مقابل را نقض می‌کند. برخی عقیده دارند چون این امر به رویه همگانی تبدیل شده است، از این‌رو در حقوق بین‌الملل عرفی جاسوسی مشروع تلقی می‌شود. به همین دلیل هر گاه دیپلمات‌ها متهم به جاسوسی می‌شوند، فقط «عنصر نامطلوب»^۳ خوانده‌شده به کشورشان مسترد می‌شود و علت استرداد آنها این است که رفتارشان با فعالیت‌های دیپلماتیک مطابقت و سازگاری ندارد، نه اینکه مخالف حقوق بین‌الملل بوده باشد. برای مثال در سال ۱۹۷۸ کنگره آمریکا نصب دوربین‌های الکترونیکی برای جمع‌آوری خبر از سفارتخانه‌های خارجی در آمریکا را مخالف کنوانسیون وین ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک و نقض مصونیت آنها دانست. اما پس از آنکه قوه مجریه آمریکا موارد متعددی از این کار توسط کشورهای دیگر علیه آمریکا را مثال آورد، کنگره قانع شد که این کار جاسوسی نیست (Smith, 2007: 545). پس می‌توان گفت قانونی بودن جاسوسی به‌طور گسترده‌ای بستگی به این دارد که آیا جاسوسی در زمان جنگ به‌وقوع پیوسته است یا در زمان صلح؟ این موضوع به تفصیل در قسمت بعدی بحث خواهد شد.

1. Freedom of Information

۲. براساس بند ۲ این ماده هر کس در اعمال حقوق و آزادی‌ها، فقط تابع محدودیت‌هایی است که از طریق قانون داخلی مشخص شده و هدف از آن احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران، و رعایت اصول اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه دموکراتیک است (زمانی، ۱۳۸۶). همچنین ر.ک: زارع و قره‌باغی، ۱۳۹۴: ۶۰۹.

3. Persona Non Grata

۱. جاسوسی در زمان جنگ

بین جاسوسی در زمان جنگ^۱ و جاسوسی در زمان صلح^۲ تفکیک صورت گرفته است. به علاوه، در زمان جنگ اگر یکی از اعضای نیروهای مسلح با لباس نظامی به جاسوسی مبادرت ورزد، جاسوس شناخته نمی‌شود، بلکه مسئولیت او به‌عنوان مأمور شناسایی و اکتشاف مورد بحث قرار می‌گیرد (Oppenheim, 1948: 8). اگر او توسط دشمن به اسارت گرفته شود، «مصونیت‌های اسیر جنگی» را دارا خواهد بود و مجازات نخواهد شد (Delupis, 1984: 8).

دیدگاه سنتی به جاسوسی، این جرم را تنها در متن جنگ یا عملیات نظامی علیه دشمن قرار می‌دهد. کسب مخفیانه و پنهانی اطلاعات در منطقه عملیاتی یکی از متخاصمان به‌منظور انتقال به طرف مقابل (ماده ۲۹ مقررات لاهه در زمینه قوانین و عرف‌های جنگی مورخ ۱۹۰۷)، جاسوسی در زمان جنگ تلقی می‌شود. بنابراین، عناصر تشکیل‌دهنده جاسوسی در زمان جنگ عبارت از اختفا، پنهان‌کاری و دستگیری جاسوس در منطقه عملیاتی کشور متخاصم است. اگرچه ممکن است از لحاظ اخلاقی و سیاسی این نوع جاسوسی مورد سؤال واقع شود، دکترین حقوقی بر این باور است که جاسوسی در مخاصمه مسلحانه حقوق بین‌الملل را نقض نمی‌کند (Baxter, 1951: 329).

اصولاً حقوق حاکم بر جاسوسی در زمان جنگ در کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تدوین شده است. در حقیقت امروزه، حق طرفین متخاصم برای استخدام جاسوسان به‌عنوان یک «ترفند جنگی»^۳ پذیرفته شده است. استخدام جاسوسان، جرم علیه حقوق جنگ نیست و به دشمن حقی برای شکایت نمی‌دهد. با توجه به قاعده «ترفند جنگی»، بهره‌گیری از خیانت سربازان دشمن یا غیرنظامیان، چه آنان که رشوه دریافت داشته یا بلاعوض و داوطلبانه اطلاعات را در اختیار آمران گذاشته باشند، عمل آنان قانونی تلقی می‌شود (Oppenheim, 1992: 17). به‌طور خلاصه، هنگامی که جنگ بین دول متخاصم شعله‌ور می‌شود، جواز جاسوسی به تمامی محیط‌های جنگی اعم از زمین، دریا و هوا، و قلمرو ملی یا بین‌المللی، گسترش می‌یابد (Kish, 1995: 17). کنوانسیون احترام به حقوق و عرف جنگی در قسمت دوم (عملیات جنگی) از بخش اول (ابزارهای صدمه زدن به دشمن، محاصره و بمباران) در ماده ۲۴ مقرر می‌دارد که «ترفندهای جنگی» و استخدام ابزارهای ضروری برای به‌دست آوردن اطلاعات درباره دشمن و کشور قابل قبول تلقی می‌شود. این ماده هیچ‌گونه استثنایی برای قاعده عام «ترفند جنگی» قائل نمی‌شود و در نتیجه هیچ‌گونه محدودیتی برای جاسوسی در جنگ، در نظر نمی‌گیرد. ماده ۳۱ مقررات ۱۹۰۷ لاهه (کنوانسیون چهارم) در زمینه مقررات و عرف‌های جنگی

1. Wartime Espionage
2. Peacetime Espionage
3. Ruse war

اشعار می‌دارد که اگر جاسوس پس از انجام مأموریت به نیروهای خودی ملحق شود و بعدها توسط دشمن دستگیر شود، او را نمی‌توان مسئول اقداماتی دانست که سابقاً مرتکب شده است. از طرف دیگر، براساس بند ۲ ماده ۲۹ همان مقررات و همچنین با در نظر گرفتن ماده ۴۶ پروتکل شماره ۱، اشخاص ذیل جاسوس نیستند و باید رفتار با آنان متمایز از جاسوسان باشد:

۱. نظامیانی که برای تجسس و گردآوری اطلاعات از وضعیت دشمن از خط دفاعی عبور کرده و به منطقه عملیاتی آن وارد شده‌اند، مشروط به اینکه تغییر لباس نداده و لباس نظامی خود را بر تن داشته باشند؛
۲. نظامیان و غیرنظامیانی که مأموریت اطلاعاتی خود را آشکارا انجام می‌دهند؛
۳. نظامیانی که در یک سرزمین اشغالی ساکن هستند و به نفع دولت متبوع خود مبادرت به جمع‌آوری اطلاعاتی که دارای مزیت نظامی است می‌کنند، به شرط آنکه مأموریت ایشان در زمان اجرا، مخفیانه نباشد؛
۴. نظامیانی که در یک سرزمین اشغالی ساکن نیستند، اما در آنجا مبادرت به فعالیت‌های جاسوسی می‌کنند، جاسوس محسوب نمی‌شوند، مگر در مواردی که قبل از پیوستن به نیروهای خودی، دستگیر شوند.

بنابراین، کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه در مورد مقررات و عرف‌های جنگ زمینی حتی انجام اقدامات ضروری برای تحصیل اطلاعات در مورد دشمن را به‌طور کلی مجاز دانسته است و این عمل نقض حقوق جنگ محسوب نمی‌شود. پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل اول) این موضوع را مجدداً تأیید کرده است. اما در صورتی که افراد غیرنظامی هنگام مخاصمه مسلحانه اقدام به چنین کاری کنند، از حمایت حقوق جنگ برخوردار نخواهند بود. البته از زمانی که حقوق بین‌الملل جنگ اقدام به نظام‌مند کردن وضعیت قانونی اسیران جنگی از جمله جاسوسان، کرده است، قوانین خاص برای تحصیل اطلاعات از اسیران جنگی ایجاد شده است. در نتیجه حمایت بین‌المللی از اسیران جنگی، محدودیت‌هایی را برای فعالیت‌های اطلاعاتی طرفین متخاصم، اعمال کرده است (Kish, 1995: 18). اصول عام حقوق بین‌الملل، «جمع‌آوری اطلاعات از طریق اعمال زور نسبت به اسیران جنگی» را ممنوع کرده است.

۲. جاسوسی در زمان صلح

در حالی که جاسوسی میان دول متخاصم به‌عنوان قسمتی از حقوق جنگ پذیرفته شده و هنر جنگی تلقی می‌شود، جاسوسی در زمان صلح اصولاً به رسمیت شناخته نشده است (Edmondson, 1972: 18).

در حقوق بین‌الملل صلح، باید بین قلمرو ملی و بین‌المللی تفکیک قائل شد. در نتیجه، در زمان صلح «اصل برابری حاکمیت» بین دولت‌ها اعمال می‌شود. دکترین عدم مداخله در امور داخلی، که بعداً بحث می‌شود، هر گونه مداخله را که تجاوز به قلمرو ملی باشد، غیرقانونی می‌سازد. در زمان صلح، جاسوسی و در حقیقت نفوذ به قلمرو دولت توسط مأموران دولت دیگر،

همان‌گونه که تجاوز به حقوق داخلی است، تجاوز به قواعد حقوق بین‌الملل که احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دول دیگر را به رسمیت می‌شناسد، نیز است (Wright, 18: 1962). همچنین در حقوق بین‌الملل هیچ‌گونه قاعده‌ای برای منع مجازات اشخاص فعال در زمینه جاسوسی توسط دولت‌ها وجود ندارد. در حقیقت این موضوع مربوط به حقوق داخلی است و در نتیجه این حق دولت‌هاست که هر یک جاسوسی در زمان صلح را خود تعریف کنند.

این‌گونه جاسوسی به روش‌های متفاوتی ممکن است انجام گیرد و لزوماً عمل جاسوسی با ورود به داخل قلمرو یک کشور انجام نمی‌گیرد. جاسوسی ممکن است «هوایی» و با استفاده از ماهواره یا هواپیمای جاسوسی با سرنشین یا بدون سرنشین باشد یا جاسوسی «دریایی» بوده و از طریق نصب سیستم‌ها و دستگاه‌ها در آب‌های ساحلی یک کشور باشد. همچنین جاسوسی می‌تواند به صورت «سایبری یا اینترنتی» صورت گیرد که از طریق آن اطلاعات امنیتی بدون اجازه دارنده، تحصیل شود (Forcese, 2011: 179). این اطلاعات، اعم از اطلاعات شخصی، حساس، اختصاصی و طبقه‌بندی شده متعلق به افراد، رایانه‌ها، گروه‌ها و دولت‌ها برای منافع شخصی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی منتفع با استفاده از روش‌های غیرقانونی اینترنتی مانند هک کردن و ترفندهای نرم‌افزاری شامل اسب‌های تروجان و اسپای ویر است. این نوع جاسوسی می‌تواند از طریق رایانه‌های شخصی از فاصله‌ای دور و از سوی هک‌گران حرفه‌ای بدون ورود به قلمرو سنتی یک کشور، صورت پذیرد.

گاهی جاسوسی توسط دیپلمات‌ها یا مأموران رسمی صورت می‌گیرد و این موضوع از طریق مکاتبات میان دولت‌ها ردوبدل می‌شود، این در حالی است که هر گونه ارتباط میان دولت‌ها از دید عمومی مخفی نگه‌داشته می‌شود و علی‌الظاهر روابط، دوستانه است، اما به‌آسانی می‌توان متوجه شد که روابط سیاسی و اقتصادی دو دولت رو به تنش‌های شدیدی می‌رود. پس با جاسوسی در زمان صلح به‌عنوان یک مسئله مربوط به حقوق داخلی برخورد می‌شود. در زمان صلح وقتی جاسوس در حین انجام جاسوسی دستگیر می‌شود، آنچه معمولاً رخ می‌دهد، آن است که دولت فرستنده هر گونه رابطه با شخص دستگیر شده را انکار می‌کند و اجازه می‌دهد که طبق حقوق داخلی کشور قربانی با جاسوس برخورد شود.

با امعان نظر به مطالب مطروحه، بسیار واضح است که نگاه حقوق بین‌الملل به جاسوسی در زمان صلح، «محدودکننده» و به‌عبارت بهتر در جهت عدم پذیرش آن بوده است. در هیچ‌یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی جاسوسی زمان صلح اجازه داده نشده است. به همین دلیل، در زمان صلح کشورها جاسوسی را تحمل نمی‌کنند و آن را اقدامی علیه امنیت ملی خود می‌دانند و می‌تواند اعدام جاسوس را به‌همراه داشته باشد. به‌نظر می‌رسد جاسوسی زمان صلح از فضای ماورای جو و از دریای آزاد منوط به اینکه برای مقاصد غیرصلح‌آمیز نباشد (Wolter, 2006: 25-54) و تا جایی که مداخله محسوب نشود، طبق حقوق بین‌الملل مجاز دانسته شده است. ولی

جاسوسی در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و فضای یک کشور مجاز نیست (Wright, 1962: 12-2). معمولاً از قضیه ایگور گوزنکو^۱، کارمند استخدام‌شده در سفارت شوروی سابق در اتاوا در ۱۹۴۵ و واقعه U-۲ در سال ۱۹۶۰، به‌عنوان دو نمونه از «جاسوسی در زمان صلح» نام می‌برند (Brown, 1999: 26-30).^۲

با اشاره به قضیه یو تو، «رایت» در مقاله خود پنج شرطی را که ایالات متحده برای توجیه جاسوسی خود در زمان صلح مطرح کرده بود، ذکر کرده است: الف) جاسوسی رویه عمومی همه دولت‌هاست؛ ب) ضرورت دفاع مشروع؛ ج) ضرورت حفظ موازنه قدرت؛ د) نامتعارف بودن مخالفت شوروی (سابق) از این منظر که خود نیز فعالیت‌های جاسوسانه مرتکب می‌شود؛ ه) موجه بودن جاسوسی یا هر نوع مداخله دیگر علیه کمونیسم (Wright, 1962: 20). مورد U-۲ ثابت می‌کند که حقوق بین‌الملل باید قواعد مربوط به جاسوسی را مورد تجدیدنظر قرار دهد (Edmondson, 1972: 20).

به‌نظر می‌رسد قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر زمان صلح، تلویحاً جاسوسی را منع می‌کند. علاوه بر اعلامیه روابط دوستانه^۳ ۱۹۷۰، چون اعمالی که به‌صورت پوشش محرمانه توسط جاسوس انجام می‌گیرد ورود غیرمجاز به قلمرو زمینی، دریایی و هوایی کشور خارجی را در بردارد و به بی‌ثباتی دولت دیگر، ارتکاب جرائمی چون ارتشاء، باج دادن و نقض قوانین حاکم بر پایگاه‌های داده منجر می‌شود و این‌گونه اقدامات را حقوق بین‌الملل عرفی مجاز نمی‌داند، مشروعیت جاسوسی در زمان صلح با مشکل روبه‌روست. همچنین چون دارای ابعاد حقوق

1. Igor Gouzenko

۲. در پنجم سپتامبر ۱۹۴۵، گوزنکو تعدادی فایل‌های سری از سفارتخانه روسیه در اتاوا را که حاصل فعالیت‌های سرویس جاسوسی روسیه در کانادا (جی آر یو Glavnoye Razvedyvatel'noye Upravleniye (GRU)/the main intelligence directorate of the General Staff)، بود، برداشت و آنان را به دولت کانادا رساند. هدف اصلی شوروی به‌دست آوردن اطلاعات برای ارتقای زرادخانه‌های هسته‌ای خود بوده است (Enquetés, 1998: 20). از نظر حقوق بین‌الملل، این سؤال مطرح بود که آیا عمل گوزنکو عواقب قانونی برای دولت روسیه در پی دارد. هیچ‌گونه «قاعده عرفی» حاکم بر جاسوسی در زمان صلح وجود نداشت که بتواند مبنای قانونی برای تعقیب متهم یا متهمان در محاکم داخلی کانادا باشد. همچنین دولت شوروی سابق تقریباً همه آنچه را که مورد ادعا قرار گرفته بود، تصدیق کرد (Cohen, 1948: 20). در مورد دوم، در اول می ۱۹۶۰ خلبان فرانسوی گری پاورز با هواپیمای مخصوص U-۲ که مشغول جاسوسی در قلمرو شوروی سابق بود، دستگیر شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا، آیزنهاور، به مسئولیت دولت خود اذعان داشت و در نتیجه، زمینه اعتراض رسمی شوروی سابق را ایجاد کرد. در این مورد تنها به‌دلیل تجاوز به حریم هوایی شوروی و با هدف اثبات نقض تعهد بین‌المللی از طرف ایالات متحده، موضوع مورد اعتراض دولت شوروی قرار گرفت. دادستان رودنکو اصل «برابری حاکمیت» و «تعرض‌ناپذیری حریم هوایی» را مورد استناد قرار داد. اما مسئله جاسوسی را تجاوز به قواعد حقوق بین‌الملل ندانست (Cohen et al., 1960: 20؛ میلتن، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۲).

3. UN General Assembly Res. 2625, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States, 24 October 1970.

بشری است (زارع و قره‌باغی، ۱۳۹۴: ۶۲۹-۶۰۹)، ممکن است مطابق منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اسناد منطقه‌ای حقوق بشر جاسوسی غیرقانونی محسوب شود. از این نظر نقض حقوق دولت مطرح نیست، بلکه فرد، قربانی جاسوسی قرار می‌گیرد و مسائلی چون انتقال اجباری افراد برای بازجویی و کسب اطلاعات، کنترل مکالمات و مکاتبات افراد و نقض حقوق مالکانه و توقیف دارایی‌های آنها مخالف حقوق بین‌الملل بشر است.

دکترین عدم مداخله و رابطه آن با جاسوسی

شرکت در فعالیت‌های جاسوسی، می‌تواند دخالت در امور یک کشور را به‌همراه داشته باشد. از این رو در حقوق بین‌الملل بررسی این مسئله که آیا جاسوسی دخالت در امور داخلی محسوب می‌شود یا خیر، اهمیت بسیاری دارد.

۱. مفهوم مداخله از منظر حقوق بین‌الملل

قبل از بحث در مورد اصل عدم مداخله، لازم است به اصل «تساوی حاکمیت دولت‌ها» که مکمل این اصل است، اشاره شود. استقلال داخلی کشورها به معنای برابری تمام آنهاست و به این امر در بند ۱ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اشاره شده است. تقریباً همه دولت‌های جهان در خصوص قواعد معینی با یکدیگر هم‌عقیده‌اند. «تساوی حاکمیت» یکی از آنهاست. اصل «حاکمیت» به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که دولت در امور داخلی خود مستقل است و مفهوم تساوی، توصیف‌کننده مفهوم «حاکمیت» است و بر استقلال دولت در مدیریت جمعیت و قلمرو سرزمینی خود و بر حق دفاع از خود و ممنوعیت مداخله سایر دولت‌ها، دلالت دارد. بدین سبب، ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد بیان می‌دارد که سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت تمامی اعضای آن قرار دارد و تمامی اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا هر گونه روش دیگر مغایر با اهداف سازمان، اجتناب کنند.

مفاهیم دوگانه «حاکمیت» و «تساوی»، سنگ بنای حقوق بین‌الملل عمومی‌اند (Kindred, 1993: 3). «حاکمیت داشتن» و «برابر بودن دولت‌ها» با یکدیگر به معنی داشتن حقوق و وظایف متناسب و هم‌ترازی با دیگر کشورهاست. این حقوق دربردارنده حق انحصاری نظارت در محدوده قلمرو، جمعیت دائمی و سایر جنبه‌های امور داخلی است. نتیجه الزامی این امر آن است که دولت موظف است از دخالت آشکار و پنهان، در امور سایر دولت‌ها از جمله در امور قضایی، اجرایی و تقنینی کشور دیگر اجتناب ورزد، هرچند دولت می‌تواند خود به‌طور داوطلبانه

تمام یا بخشی از حاکمیت خود را واگذار کند.^۱ جدیدترین مورد طرح این بحث تقاضای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در فروش گرینلند از طرف دانمارک به آمریکا و مخالفت دانمارک در آگوست ۲۰۱۹ بوده است.^۲

تجاوز به حاکمیت یک دولت زمانی اتفاق می‌افتد که دولتی در امور داخلی دولت دیگر، مداخله کند. کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته‌ویدئو کنوانسیون شناخته‌شده است که ویژگی‌های بنیادین «اصل استقلال داخلی کشورها» را که شامل اصل حاکمیت دولت و مفهوم عدم مداخله است، مقرر داشته است. به‌علاوه، اغلب کشورها چه در این کنوانسیون و چه در سایر معاهدات، تعهد عدم مداخله مستقیم و غیرمستقیم در امور دیگر کشورها را پذیرفته‌اند (Wright, 1962: 3).

۲. جایگاه جاسوسی در میان مداخلات قانونی

همان‌طور که مشاهده شد، یکی از عناصر حاکمیت دولت این است که کشور دیگر در امور داخلی اش مداخله نکند. با این حال، اگر عملی واقعاً از مصادیق «مداخله» یا «دخالت» است، به دلایل مختلفی ممکن است موجه تلقی شود (Kindred, 1993: 4). در این مورد که کدام نوع جاسوسی ممکن است «مداخله موجه» باشد، رایت^۳ اظهار می‌دارد که دولت می‌تواند نسبت به اعمالی که به نظرش تجاوز به حقوق اوست، اعتراض کند و به «اقدامات تلافی‌جویانه» اقتصادی علیه اعمال مغایر با منافعش متوسل شود. حتی می‌تواند از این نیز جلوتر رود و برای جبران خسارات وارده، متوسل به اقداماتی شود که البته شامل توسل به اقدامات نظامی نخواهد بود و این در صورتی است که حل‌وفصل یا جبران خسارت به‌صورت مسالمت‌آمیز بدون نتیجه بوده و اقدامات تلافی‌جویانه، از خسارات مورد ادعا شدیدتر نباشد. دولت در نهایت می‌تواند از نیروی نظامی به‌منظور دفاع از مرزهای خود یا برای یاری رساندن به قربانیان حمله نظامی، یا یاری رساندن به سازمان ملل متحد «به‌منظور بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی»، بهره‌گیرد، این در صورتی است که تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اعمال تجاوزکارانه وجود داشته باشد یا توسل به آن نیرو به‌منظور اجرای رأی صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری باشد (Wright, 1962: 4). ارائه مثال‌هایی در مورد اصل «مداخله قانونی» به درک بهتر آن کمک می‌کند. مداخله‌ای می‌تواند موجه تلقی شود که دولت مداخله‌گر حفظ استقلال داخلی مردم کشور مورد مداخله را مدنظر داشته باشد. از این‌رو مطابق حقوق بین‌الملل دولت‌ها نمی‌توانند به شیوه‌ای متوسل شوند که به تجزیه دولتی دیگر منجر شود. مداخله نظامی «مأذون از طرف شورای امنیت سازمان ملل

۱. برای مثال، دولت به‌منظور دستیابی به اهداف گمرکی خود یا به‌منظور رعایت تعهدات مندرج در یک معاهده، ممکن است این‌گونه عمل کند (ر.ک: رأی مشورتی صادره از طرف دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه اتحادیه گمرکی اتریش - آلمان 3: 1931, PCIJ, Adv. Op.).

2. <https://www.irna.ir/news/>

3. Wright

متحد» نیز می‌تواند به‌عنوان مداخلهٔ قانونی تلقی شود. عملیاتی که طی جنگ دوم خلیج‌فارس (عراق علیه کویت) به‌وقوع پیوست، مثال مناسبی از این‌گونه مداخله است. همچنین استفادهٔ یک کشور از زور، که نوعی مداخله محسوب می‌شود، چنانچه به قصد «دفاع مشروع» باشد، غیرقانونی نخواهد بود، هرچند روشن نیست آیا «اقدامات پیشگیرانه»^۱ می‌تواند دفاع مشروع تلقی شود یا خیر، زیرا برخی از تهدیدات چنان قریب‌الوقوع هستند که عملیات پیشگیرانه می‌تواند در این موارد ضروری و اساسی تلقی شود و در نتیجه موجه جلوه کند. در موارد دیگر، عمل تجاوزکارانه می‌تواند تحت پوشش «عملیات پیشگیرانه»، دستاویز نادرستی برای مداخلات باشد. امروزه برخی حقوقدانان و دولتمردان اعتقاد دارند هر کشوری حق ورود به قلمرو کشور دیگر برای جلوگیری از حمله را دارد. مداخله در امور داخلی دولت دیگر به دلایل «بشردوستانه»^۲ نیز موجه تلقی می‌شود. مثال مناسب آن مداخلات نظامی در کوزوو در دههٔ ۹۰ است که در آنجا عملیات به‌منظور «توقف نسل‌زدایی» صورت پذیرفت. اگر دولتی دخالت در امور داخلی خود را از دولتی دیگر «درخواست» کند^۳، واضح است که این عمل نیز موجه است، همان‌طور که در تیمور شرقی در سپتامبر ۱۹۹۹ روی داد. همچنین دولت به‌منظور «نجات اتباع خود»^۴ می‌تواند در کشور دیگر دخالت کند.

به‌علاوه، گاهی کوتاهی دولت‌ها در افشای مسائل، خطرهایی را ایجاد می‌کند که برای جلوگیری از آنها مداخله در قالب جاسوسی موجه است. برای مثال مخفی نگه‌داشتن اطلاعات از طرف دولت اوکراین و عدم شفافیت در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ به حادتهٔ چرنوبیل انجامید. اگر اجازهٔ نظارت و بازرسی از راکتور هسته‌ای مذکور به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داده شده بود، شاید این حادثه اتفاق نمی‌افتاد. در غیاب چنین اجازه‌ای، به‌نظر می‌رسد جاسوسی برای حفظ جان انسان‌ها موجه باشد (Baker, 2004: 1091). شاید در همین زمینه، قسمت دوم پروتکل «راستی‌آزمایی» معاهدهٔ ۱۹۹۶ ممنوعیت کامل آزمایش‌های هسته‌ای^۵ امروزه شیوه‌ای را در نظر گرفته تا با تقاضای هریک از اعضای معاهده بتوان از تجهیزات هسته‌ای عضو دیگر معاینهٔ حضوری^۶ داشت. همچنین افشاگری اخیر معروف به «اسناد محرمانهٔ پاناما» که توسط روزنامهٔ آلمانی انتشار یافت و در آن بسیاری از ثروتمندان و قدرت‌مداران جهان به‌منظور فرار از پرداخت مالیات، دارایی‌های خود را از طریق بنگاهی حقوقی در پاناما مخفی نگه می‌داشتند، نمونهٔ دیگری است که جاسوسی مالی را ممکن است موجه سازد و آن را در چارچوب مداخلات قانونی قرار دهد (Panama Papers: The Secrets of Dirty Money: 2016).

1. Preemptive Measures
2. Humanitarian Intervention
3. Intervention by Invitation
4. Intervention to Rescue Nationals Abroad
5. Verification Protocol of the Comprehensive Nuclear Test-Ban Treaty (CTBT)
6. On-Site Inspections. <https://www.ctbto.org/fileadmin/content/treaty/treatytext.tt.html>

از تشریح دکترین عدم مداخله و مثال‌هایی که دربارهٔ مداخلات قانونی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که به‌نظر می‌رسد زمانی که جاسوسی در چارچوب «عمل متقابل»^۱ صورت گیرد یا در راستای اجرای «قواعد آمره» حقوق بین‌الملل مانند حق تعیین سرنوشت مردم یک کشور انجام گیرد و همچنین با توجه به پدیدهٔ جهانی شدن، اگر جاسوسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مبارزه با تروریسم «ضرورت» داشته باشد یا اگر جمع‌آوری اطلاعات با رضایت دولت هدف باشد، قانونی است. اما زمانی که دولت‌ها مأموران سرویس‌های اطلاعاتی خود را مستقیماً به درون مرزهای دولتی دیگر گسیل می‌دارند و از قوانین داخلی آن دولت تخطی می‌کنند، مغایر با حقوق بین‌الملل رفتار کرده‌اند (Cohen et al., 1960: 5). همچنین، جاسوسی در زمان صلح، در رویهٔ دولت‌ها نمونهٔ بارز نقض «اصل همزیستی مسالمت‌آمیز» و اصول دیگری چون «اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها» و «اصل حاکمیت برابر» و «اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها» تلقی شده و مخالف موازین بنیادین حقوق بین‌الملل دانسته می‌شود. مادهٔ ۳ «معاهدهٔ ۱۹۶۷ اصول حاکم بر فعالیت کشورها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو»، صریحاً اعلام داشته است که فعالیت‌های فضایی باید مطابق حقوق بین‌الملل و در جهت ایجاد همکاری و تفاهم بین‌المللی صورت گیرد. بدیهی است اقدام به جاسوسی خلاف مفاد این ماده است. در خصوص منع جاسوسی دریایی نیز «کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایها» در مادهٔ ۳۰۱ خود اظهار می‌دارد: کشورهای عضو این کنوانسیون در اعمال و اجرای حقوق و وظایف خود، از هر گونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور یا به هر شکل دیگر که مغایر با اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور ملل متحد باشد، خودداری خواهند کرد. با توجه به اینکه جاسوسی اقدامی خصمانه تلقی می‌شود، مغایر صریح اصول و اهداف منشور ملل متحد به‌ویژه مفاد مقدمه و مندرجات مواد ۱ و ۲ آن منشور به‌خصوص بند ۴ مادهٔ ۲ است. از این‌رو چنانچه مشخص شود مداخله از جمله از طریق جاسوسی، تجاوز به تمامیت ارضی و نقض استقلال سیاسی دولت دیگر است، از نظر حقوق بین‌الملل مجاز نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون مستقیماً درگیر موضوع جاسوسی نبوده است تا بتوان نظر این دادگاه بین‌المللی را به‌خصوص در مورد شکل‌های تازه جاسوسی بررسی کرد. در پروندهٔ کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران در سال ۱۹۸۰ یکی از ادعاهای ایران این بود که کارکنان سفارت، برخلاف وظایف قانونی خود، به جاسوسی مشغول بوده‌اند. در مکاتبات وزیر خارجهٔ وقت ایران با دیوان، به جاسوسی و مداخلهٔ آمریکا از طریق سفارت خود در تهران اشاره شده است. با این حال، ایران در دادرسی حضور پیدا نکرد و علاوه‌بر اینکه این فرصت بین‌المللی از بین رفت، دیوان این موضوع را توجیه‌کنندهٔ رفتار دولت ایران با مسئله ندانست و اظهار داشت که حقوق دیپلماتیک و کنسولی خود ضمانت اجرای لازم را در موارد

مداخله و جاسوسی در کشور میزبان تعیین کرده که ایران از آن استفاده نکرده است (ICJ Rep., 1980: 38 & 40). در دعوی ۱۹۸۶-۱۹۸۴ نیکاراگوئه علیه ایالات متحده مبنی بر مداخله و حمایت آمریکا از نیروهای کنترا^۱، دیوان با استناد به «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد»^۲، یعنی قطعنامه ۲۶۲۵ مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی، اظهار داشت که هیچ دولتی مجاز به سازمان‌دهی، مساعدت، کمک مالی، تحریک و تحمل اقدامات براندازی و فعالیت‌های مسلحانه و تروریستی برای اسقاط رژیم کشور دیگر یا مداخله در جنگ داخلی در آن کشور نیست (ICJ Rep. 1986: 136-140). با این حال، این رأی به بحث کاربرد زور و تهدید به استفاده از آن و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی پرداخته است و اشاره مستقیمی به جاسوسی ندارد.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از جاسوسی

با توجه به اینکه هنوز جاسوسی در عداد جرائم بین‌المللی قرار نگرفته است، اصولاً حقوق بین‌الملل اختیار تعقیب و برخورد با جاسوس را به حقوق داخلی سپرده و برخورد با آن را جزء حاکمیت هر دولت می‌داند. به همین سبب، هر کشوری جاسوسی دیگران را ممنوع، ولی به خود اجازه می‌دهد علیه دیگران جاسوسی کرده و جاسوسان خود را «میهن‌پرستان واقعی» تلقی کند. این امر سبب شده است دولت‌های متأثر از جاسوسی بدون اینکه جاسوسی زمان جنگ را از جاسوسی زمان صلح متمایز سازند، به تعقیب و مجازات «خائنان» و «جاسوسان» بپردازند. پس از حادثه جاسوسی U-۲، آیزنهاور در برنامه‌ای تلویزیونی با اشاره به حمله ژاپن به آمریکا در جنگ دوم جهانی، اعلام کرد که «هیچ‌کس نمی‌خواهد پیرل هاربر^۳ دیگری را ببیند» و این یعنی آمریکا باید تمام اطلاعات نیروهای نظامی در سراسر جهان را داشته باشد. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هم بی‌تأثیر بر این بحث نبوده است. آمریکا ادعا می‌کند جاسوسی رویه‌ای بین‌المللی است که کشورها نسبت به هم داشته و دارند و ناچار برای مبارزه با تروریسم، آمریکا این اعمال را انجام می‌دهد، بنابراین عمل دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور مشروع است، چراکه در نهایت «به نفع جامعه جهانی» استفاده می‌شود. بدیهی است از این نگاه، برای ممانعت از حوادثی چون اشغال کویت توسط عراق، انجام عملیات القاعده علیه برج‌های دوقلو، جلوگیری از عملیات تروریستی داعش در عراق، سوریه و افغانستان و اعمالی از این قبیل، هر نوع جاسوسی موجه می‌کند. در این زمینه، بنا به قول جورج بوش پسر و تونی بلر در سال ۲۰۰۳، اطلاعات جمع‌آوری شده توسط دستگاه‌های اطلاعاتی دو کشور آمریکا و انگلیس آنها را مجبور به انجام

1. Contras

2. Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations.

3. Pearl Harbor

عملیات نظامی با توجیه دفاع مشروع پیشدستانه در عراق کرد. همچنین جاسوسی‌ها و شنود دستگاه اطلاعاتی ان اس ای آمریکا از رهبران اروپا، به خصوص شنود مکالماتی انگلا مرکل صدر اعظم آلمان، که در روابط بین‌الملل مسبوق به سابقه نبوده و پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود، از این زاویه موجه‌اند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا در صورت جاسوسی، مسئولیت بین‌المللی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد تاکنون دادگاه‌های بین‌المللی به‌طور مستقیم به پرونده‌ای که موضوع آن جاسوسی بوده باشد، نپرداخته‌اند تا بتوان رویه قضایی آنها و مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن را در این خصوص ارزیابی کرد. البته یکی از راهکارهای پیش روی کشورهای قربانی، انعکاس موضوع به «شورای امنیت سازمان ملل متحد» است که در این صورت شورا می‌تواند به جنبه‌های سیاسی موضوع رسیدگی کند.

براساس نظر کوهن، جاناتان و کوار، در مورد دیدگاه حقوق بین‌الملل نسبت به مسئولیت ناشی از جاسوسی، سه مسئله را باید مورد توجه قرار داد (Cohen et al., 1960: 10): ۱. اغلب اتفاق می‌افتد که فعلی سبب تجاوز به تعهدی بین‌المللی می‌شود و آن فعل موجب ورود خسارتی می‌شود که جبران آن را می‌توان مطالبه کرد. این جرم باید از جاسوسی تفکیک شود. به‌طور مثال، اگر هواپیمای خارجی بدون اجازه بر فراز قلمرو هوایی کشور دیگر پرواز کند و منظور از آن پرواز انجام عملیات جاسوسی باشد، تخلف آشکار و «تجاوز به حریم هوایی» آن کشور قلمداد می‌شود و جاسوسی تنها می‌تواند به‌عنوان کیفیت مشدده مطرح شود؛ ۲. جاسوسی توسط اشخاصی که موقعیت دیپلماتیک دارند، انجام می‌گیرد. در حقیقت این امر بسیار رایج است که موارد جاسوسی به دیپلمات‌ها یا اشخاصی که این موقعیت را دارند، مرتبط است. دلیل این امر ساده است، یکی از مأموریت‌های دیپلمات‌ها، جمع‌آوری اطلاعات در مورد کشوری است که در آن مأموریت دارند و این امر به‌منظور ارتقای سطح روابط کشور فرستنده و کشور میزبان صورت می‌گیرد. در زمان جمع‌آوری این اطلاعات، دیپلمات‌ها ممکن است وسوسه شوند و به جمع‌آوری اطلاعات بیش از میزان قانونی مبادرت ورزند، زیرا آنان براساس آنچه «مصونیت دیپلماتیک»^۱ خوانده می‌شود، مورد حمایت‌اند (Kindred, 1993: 10). اشخاص دارای موقعیت دیپلماتیک، اگر حتی در حین جاسوسی دستگیر شوند، اجازه محاکمه آنان طبق قوانین داخلی وجود ندارد. کشور میزبان ابزارهای محدودی را در اختیار دارد که رایج‌ترین آنها اعلام آن شخص به‌عنوان «عنصر نامطلوب» است. همچنین دولت بزه‌دیده به‌ندرت می‌تواند برای جبران خسارت به مسئولیت کشور فرستنده تکیه کند، زیرا «مسئولیت دولت» ناشی از جاسوسی تا حدودی مبهم است. ۳. در نهایت جاسوسی اقدامی است که اصولاً توسط «افراد» صورت می‌گیرد، بنابراین مسئولیت دولت ناشی از اقدام یکی از اتباعش، در این زمینه بعید می‌نماید.

با این حال، دولت مسئول اعمال رسمی یا مأذون از جانب مقامات رسمی خود و همچنین مسئول خسارات بین‌المللی ناشی از اقدامات افرادی است که به انجام کارهای رسمی دولت می‌پردازند، هرچند طبق حقوق داخلی آن دولت اعمال آنها بدون امر و اذن دولت یا با خروج از صلاحیت خود^۱، یا به علت اشتباه یا قضاوت ناصحیح یا بی‌مبالاتی در اجرای وظایف رسمی بوده باشد (Oppenheim, 1948: 16). در عمل، ترسیم مرز بین «اعمال مأذون» و «غیرمأذون» آسان نیست. اما معمولاً این احتمال وجود دارد که دولت فرستنده هر گونه ارتباط و اطلاعی نسبت به جاسوس دستگیر شده را انکار کند. در نتیجه، جاسوس «شخصاً» با دادگاه محل کشور قربانی روبه‌رو خواهد شد. با وجود این، جایی که دولت، مسئولیت خود در مورد جاسوسی را بپذیرد، بعد از دستگیری و پیش از محاکمه جاسوس، این جرم در سطح دو دولت مطرح می‌شود، که مستلزم عذرخواهی رسمی یا اعمال فشار یا جبران خسارت است (Delupis, 1984: 16). زمانی که دولت مسئولیت خود را می‌پذیرد، بسیار نادر است. واقعه U-2 مثال مناسبی از پذیرفتن مسئولیت دولت در مورد اقدامات جاسوسان خود است. در این مورد شخص به‌علت جاسوسی مسئول خواهد بود و چنانچه طبق حقوق بین‌الملل به هر دلیلی مسئولیت او معلق شود، براساس حقوق داخلی کشور قربانی همچنان پابرجاست. به‌علاوه، اگر به‌علت وجود مصونیت، امکان مسئول دانستن شخصی به‌سبب جاسوسی در دادگاه‌های داخلی وجود نداشته باشد، در نهایت این دولت است که مسئول تلقی خواهد شد (Edmondson, 1972: 17).

امروزه جاسوسی در فضای سایبر از مدرن‌ترین انواع جاسوسی تلقی می‌شود. به‌نظر می‌رسد مطابق مفاد پیش‌نویس کنوانسیون سال ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت تهیه‌شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل^۲، این‌گونه جاسوسی توسط دولت‌ها و از سوی بازیگران غیردولتی مانند سایت‌های اینترنتی خصوصی، در صورتی که با اطلاع دولت میزبان سایت صورت گیرد، می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت حامی را به‌همراه داشته باشد. همچنین اگر جمع‌آوری اطلاعات بدون رضایت کشور قربانی باشد، جاسوسی و اگر همراه آن خرابکاری و براندازی هم وجود داشته باشد، مسئولیت‌زاست. از این‌رو جمع‌آوری اطلاعات به‌خودی‌خود ممنوع نشده و مخالف حقوق عرفی نیست و حتی حقوق بین‌الملل این رویه را تأیید می‌کند، مگر آنکه تمامیت ارضی کشور هدف، مورد تعرض قرار گیرد. البته برای اینکه جاسوسی مسئولیت بین‌المللی دولت را به‌همراه داشته باشد، کافی نیست که عمل دولت نقض حقوق بین‌الملل را در پی داشته باشد، بلکه آن عمل باید «قابلیت استناد» به دولت را نیز داشته باشد. براساس پیش‌نویس کمیسیون و دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی نیکاراگوا، علی‌الاصول رفتار اشخاص خصوصی از جمله در قالب جاسوسی طبق حقوق بین‌الملل منتسب

1. Ultra Vires

2. UN Doc. A/56/10, 53rd GA Session, Suppl. No. 10, 2001

به دولت نیست، مگر آنکه آن رفتار به دستور یا با هدایت و کنترل مؤثر^۱ دولت انجام گیرد (ICJ Rep. 1986: 65). دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ، «کنترل کلی»^۲ را برای مسئول دانستن دولت کافی دانسته است (ICTY, 1999: Parags. 99-145). در هر حال، کنترل باید به نحوی باشد که بتوان جاسوسی انجام گرفته را به دولت منسوب کرد.

ضرورت تدوین مقررات همسان مقابله با جاسوسی غیرمجاز

سال‌ها از پایان جنگ سرد و رقابت بین سیا و ک.گ. ب به‌عنوان مشهورترین و پرکارترین سازمان‌های جاسوسی جهان می‌گذرد و به‌نظر می‌رسد با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، سیا مهم‌ترین و قوی‌ترین رقیب خود را از دست داده باشد. هرچند در ظاهر این‌گونه به‌نظر می‌آید، ولی کاملاً خلاف این موضوع واقعیت دارد. در واقع سازمان‌های جاسوسی در کشورهای مختلف جهان امروزه فعال‌تر از همیشه به فعالیت خود مشغول‌اند و توانایی تعدادی از آنها حتی در جاسوسی از مهم‌ترین مراکز نظامی، اقتصادی، علمی، سیاسی و انتخاباتی آمریکا، سازمان‌های جاسوسی این کشور را با چالش‌های فراوانی مواجه کرده است. نگاهی به برخی از این سازمان‌ها ضروری می‌نماید. مقامات آمریکایی می‌گویند مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد تعدادی از سازمان‌های جاسوسی جهان برای به‌دست آوردن اطلاعات حساس نظامی، اقتصادی و انتخاباتی از آمریکا، طرح‌های حساب‌شده‌ای دارند. برخلاف سازمان جاسوسی روسیه (اف اس بی)،^۳ که در داخل مرزهای روسیه فعال است و مسائل امنیتی داخلی را تحت کنترل دارد، سرویس اطلاعات خارجی روسیه (اس وی آر)،^۴ بیرون از مرزهای این کشور فعالیت می‌کند. در واقع وظیفه رسمی سرویس اطلاعات خارجی روسیه «مبارزه با تروریسم» و «حمایت از منافع اقتصادی» روسیه در جهان و وظیفه غیررسمی این سازمان «تحکیم قدرت سیاسی در داخل روسیه» عنوان شده است. البته روسیه سابقه بسیار قدرتمندی در جاسوسی دارد و تاریخ جاسوسی در این کشور به دوران حکومت سزارها بر این سرزمین بازمی‌گردد. با این حال، پس از سقوط شوروی، ک.گ.ب به سازمان‌های کوچک‌تری با اختیارات محدودتر تقسیم شده است. از زمانی که ولادیمیر پوتین (عضو سابق ک.گ.ب)، سکان قدرت را در روسیه به‌دست گرفته، سرویس اس وی آر بسیاری از اختیارات و اقتدار سابق آن سازمان جاسوسی را به‌دست آورده است. در حال حاضر، مقامات آمریکایی بر این باورند که میزان جاسوسی این سازمان در آمریکا و جهان به میزان فعالیت‌های جاسوسی ک.گ.ب در دوران جنگ سرد بازگشته است. به‌طور مثال، اس وی آر به‌شدت مظنون است که نقش اصلی را در ترور «الکساندر لیتویننکو»^۵ جاسوس سابق ک.گ.ب در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۶ در لندن بازی کرده باشد.

1. Effective Control
2. Overall Control
3. Russian Federal Security Service(FSB)
4. Intelligence and Espionage Activities Outside the Russian Federation(SVR)
5. Alexander Litvinenko

انگلیس نیز به شدت نگران جاسوسان روسی در این کشور است. مقامات امنیتی انگلیس بر این باورند که میزان فعالیت‌های جاسوسی روسیه علیه انگلیس همچنان در سطح دوران جنگ سرد قرار دارد. سازمان ضد جاسوسی انگلیس با اشاره به صرف هزینه‌های کلان و نیروی فراوان برای مقابله با جاسوس‌های روسی تأکید دارد که هزینه‌های صرف‌شده در این زمینه به همان اندازه‌ای است که برای مقابله با القاعده به کار می‌رود. گفته می‌شود حداقل دو هزار نفر مرتبط با تروریسم و تهدیدکننده امنیت ملی در خاک انگلیس هستند و این در حالی است که سازمان ام آی فایو^۱ انگلیس دیگر توان کافی برای تعقیب آنها را ندارد. این سازمان می‌گوید برخی کشورها همچون گذشته به فعالیت مخفی در خصوص فناوری‌های نظامی در انگلیس و جاسوسی اقتصادی و سیاسی از جمله حمله الکترونیکی به رایانه‌ها به منظور کسب اطلاعات ادامه می‌دهند و با وجود پایان جنگ سرد، ام آی فایو، کماکان باید با فعالیت‌های جاسوسی روسیه، چین و چند کشور دیگر مقابله کند.

همچنین وزارت امنیت ملی چین (ام اس اس)^۲، بزرگ‌ترین و فعال‌ترین سرویس جاسوسی خارجی دولت چین محسوب می‌شود. این سازمان به علت نقشی که در جمع‌آوری اطلاعات داخلی و کنترل مخالفان سیاسی داخلی دارد، گاهی اوقات «پلیس مخفی» نیز خطاب می‌شود. در واقع مأموریت این سازمان اطمینان از امنیت چین از طریق استفاده از ابزارهای مؤثر علیه دشمنان و جاسوسی و مقابله با فعالیت‌های انقلابی است که هدف آنها ایجاد اختلال در نظام سوسیالیستی این کشور است. مأموران این سازمان، در پوشش افراد غیردولتی، مانند روزنامه‌نگار، تاجر، خبرنگار، دانشجو، معلم و غیره در بسیاری از کشورهای جهان به جاسوسی مشغول هستند. البته ساختار ام اس اس بسیار شبیه به ساختار ک.گ.ب است و مسئولیت امنیت داخلی و جمع‌آوری اطلاعات خارجی را بر عهده دارد. کارشناسان مسائل امنیتی بر این باورند که بیشترین حجم فعالیت‌های خارجی سازمان جاسوسی چین روی ایالات متحده آمریکا و به خصوص در حوزه «تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی و صنعتی» متمرکز است. در همین حال به نظر می‌رسد چین تلاش‌های خود را در مسیر جاسوسی سایبری (اینترنتی) نیز افزایش داده است. پنتاگون چین را به جاسوسی اینترنتی از مراکز اطلاعاتی اینترنتی وزارت دفاع آمریکا متهم می‌کند. این در حالی است که دولت‌های آلمان و انگلیس نیز اتهام‌های مشابهی را علیه چین مطرح کرده‌اند. این مسئله علاوه بر وارد آوردن خسارات بسیار سنگین اقتصادی سبب شده سرویس‌های آمریکایی اولاً بخش زیادی از توان و نیروی انسانی خود را برای مقابله با جاسوسان چینی اختصاص دهند و ثانیاً به فکر استخدام جاسوسان و نیروهای ضد اطلاعات جدیدی در سازمان‌های سیا و اف بی آی^۳ باشند.

1. Military Intelligence, Section 5(MI5)

2. Ministry of State Security(MSS)

3. Federal Bureau of Investigation(FBI)

به نظر می‌رسد نبود مقررات یکسان حاکم بر جاسوسی، به خصوص در زمان صلح، به مسائل زیر مربوط است: ۱. فقدان ضمانت اجرای مؤثر در مقابل جاسوسی؛ ۲. پیوند نزدیک جاسوسی با مسائل امنیتی و حیاتی دولت‌ها؛ ۳. اینکه نظام‌مندی جاسوسی به یک اندازه کشورهای ضعیف و قوی را متأثر نمی‌کند؛ و ۴. جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات و افشای مقاصد دولت‌ها توسط یکدیگر، گاهی به صلح و امنیت بین‌المللی کمک می‌کند. با این حال، حملات سایبری آمریکا و متحدانش از طریق ویروس استاکس نت^۱ و فلیم^۲ به کارخانه‌های غنی‌سازی اورانیوم ایران در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ و ظهور ویروس همه‌گیر کرونا در جهان، کاربرد گسترده جاسوسی سایبری در روابط بین‌الملل را به‌عنوان ابزار جدید کسب اطلاعات نظامی، سیاسی، علمی و ... نشان می‌دهد. از طرفی جاسوسی از رابطه دولت-دولت به رابطه دولت-افراد هم گسترش یافته و دستگاه‌های جاسوسی زندگی افراد، رهبران و سران دولت‌ها و نخبگان را تحت کنترل قرار داده است، به نحوی که سبب نارضایتی زیادی از طرف برخی نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، دیوان‌های قضایی و افراد خصوصی شده و بر دولت‌ها فشار آورده‌اند تا چارچوب حقوقی مؤثری را برای دولت‌های خاطی طراحی کنند. در عین حال، با فقدان معاهده عام بین‌المللی در مورد قانونی بودن این گونه جاسوسی و احترام به مرز و حاکمیت دولت و حریم خصوصی افراد، باید به دنبال کنوانسیون‌های خاص در مورد ممنوعیت فعالیت‌های جاسوسانه برای جمع‌آوری اطلاعات بود که در هر دو زمینه حقوق بین‌الملل با فقر قانون‌گذاری مواجه است (Deeks, 2015: 368). بنابراین، برای ممانعت از بی‌اعتمادی دولت‌ها نسبت به یکدیگر و جلوگیری از بروز هر گونه تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی از جمله سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم و تهدیدات ناشی از آن و همچنین برای حمایت مؤثر از حقوق بنیادین افرادی که به بهانه مبارزه با جاسوسی، قربانی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورها قرار می‌گیرند، نیاز به قانون‌گذاری بین‌المللی است. به عبارت دیگر، جهانی شدن جاسوسی، توسل به دیپلماسی چندجانبه و مقررات جهانی را ضروری می‌نماید. بدیهی است در این مسیر هماهنگ ساختن نظام‌های حقوقی داخلی کشورها به خصوص کشورهایی مثل آمریکا، روسیه، چین و بریتانیا با حقوق بین‌الملل نیز نباید دست‌کم گرفته شود. تا زمانی که معاهده متحده‌الشکل بین‌المللی تمامی زوایای جاسوسی را مدون نساخته است، لازم است کشورها در متابعت از ماده ۲۵ قانون اساسی آلمان، اصول کلی حقوق بین‌الملل را بخشی از حقوق داخلی خود در برخورد با جاسوسی قلمداد کرده و دادگاه‌های داخلی، اصول و مقررات مرتبط حقوق بین‌الملل را به نفع جامعه بین‌المللی تفسیر و اجرا کنند.

1. Stuxnet
2. Flame

نتیجه‌گیری

امروزه جاسوسی عرصه‌ای از فعالیت دولت‌هاست که در روابط بین‌المللی مسئله‌ای حیاتی تلقی و در مورد آن بخش مهمی از مقررات حقوقی در «نظام نوین جهانی» در حال شکل‌گرفتن است. به‌علاوه، تکنولوژی جدید، پیشرفت‌های علمی و جهانی شدن تجارت، جاسوسی را عملی گسترده‌تر و فعالیتی جهانی ساخته است. در آغاز قرن بیستم جاسوسی تنها بین دول متخاصم در زمان جنگ استفاده می‌شد. امروزه جاسوسی اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و سایبری، بخش مهمی از فعالیت‌های همهٔ سرویس‌های اطلاعاتی شده است. با وجود اهمیت چنین موضوعی، هنوز قانونی بودن یا نبودن فعالیت‌های جاسوسانه امری مورد اختلاف بوده و توسط حقوق بین‌الملل به‌خوبی قاعده‌مند نشده و حتی تعریف دقیقی از آن به‌عمل نیامده است. این در حالی است که همهٔ کشورها در حقوق داخلی خود جاسوسی را ممنوع اعلام کرده‌اند. به همین سبب، اقدامات جاسوسانه اغلب براساس حقوق داخلی جرم‌انگاری شده و در حقوق بین‌الملل توسط سازمانی بین‌المللی یا مراجعی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری ذیل هیچ‌یک از جرائم طبقه‌بندی شده به‌عنوان فعالیت‌های غیرقانونی قرار نگرفته است. همچنین هنوز در حقوق بین‌الملل «جرم بین‌المللی» به معنای خاص تنها برای جرائم خطیر یعنی جرم تجاوز، جرائم جنگی، نسل‌زدایی و جرائم علیه بشریت به‌کار می‌رود که جاسوسی را به‌راحتی نمی‌توان در میان آنها گنجانید.

جاسوسی در زمان جنگ، به‌علت فقدان معاهده‌ای جامع در این زمینه، قانونی شناخته شده است. از این‌رو حق طرفین مخاصمه برای استخدام جاسوسان، به‌عنوان یک «ترفند جنگی» پذیرفته شده است. استخدام جاسوسان جرمی علیه حقوق جنگ نیست و به دشمن حق شکایت نمی‌دهد. اما جاسوسی در زمان صلح به رسمیت شناخته نشده است. هیچ سند بین‌المللی به‌صراحت جاسوسی را ممنوع اعلام نکرده، اما در حقوق صلح، تفکیک قلمرو بر مبنای تمایز بین قلمرو ملی و بین‌المللی است و در نتیجه اصل برابری حاکمیت جاری است و هر گونه مداخله که تجاوز به قلمرو ملی دانسته شود، غیرقانونی است. از این‌رو جاسوسی در زمان صلح موضوعی مربوط به حقوق داخلی بوده و در نتیجه این حق متعلق به دولت‌هاست که این نوع جاسوسی را نظام‌مند کنند. اصل «تساوی حاکمیت دولت‌ها» دربردارندهٔ استقلال داخلی کشورها و توصیف‌کنندهٔ مفهوم حاکمیت و «حق مصون بودن از مداخله سایر دولت‌ها» است. «مداخله»، تجاوز به تمامیت ارضی و نقض استقلال سیاسی دولت دیگر است. زمانی که جاسوسی موجب تجاوز به تمامیت ارضی دولت‌ها، حاکمیت آنها و نقض اصل همکاری مسالمت‌آمیز دول و اصل عدم مداخله می‌شود، بی‌شک مغایر با حقوق بین‌الملل است.

به‌نظر می‌رسد در صورت تعارض جاسوسی با منافع جامعهٔ بین‌المللی، باید حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی ارجحیت یابد. در این صورت جاسوسی و مشارکت اطلاعاتی کشورها برای منافع بین‌المللی، مبارزه با تروریسم و حفظ حیات و تمدن بشری امری مشروع است. در گامی

جلوتر، ذکر این نکته اهمیت دارد که اقدامات کشورهایی چون آمریکا و برخی کشورهای دیگر در مورد جاسوسی اینترنتی و کنترل ایمیل‌های شهروندان، مغایر با حقوق بین‌الملل معاصر به خصوص ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، زیرا برخلاف گذشته که جاسوسی اسرار حکومت‌ها را هدف قرار می‌داد، جاسوسی‌های اخیر، «حریم و زندگی خصوصی انسان‌ها» را نشانه رفته است. نظر به اینکه در حال حاضر جاسوسی توسط هر دو دسته کشورهای دوست و دشمن به صورت فرامرزی صورت می‌گیرد، وقت آن رسیده است تا از طریق همکاری و مشارکت اعضای جامعه بین‌المللی طی سندی الزام‌آور، همه جوانب این پدیده و اشکال جدید آن به صورت متحدالشکل و جامع، نظام‌مند شده و موارد مشروع و نامشروع آن به صراحت تعیین شود.

منابع

A) Books

1. Babaei, Hassan, (2009), *Espionage from the Perspective of International Law*, 1st Ed., Ganj-e Daanesh Publications, Tehran, Iran (In Persian).
2. Garraud, Renee., (1913), *Traite theorique et pratique du droit penal Francais*, translated by Neghaabat ziaaddin, Ibne Sina Publications, Vol. 3, Tehran, Iran (In Persian).
3. Goldoozian Iraj, (2006), *Particular Criminal Law*, Tehran University Press, Tehran (In Persian).
4. Keit, Milton., *Picture Encyclopedia of the History of Espionage*, translated by Shooshtarizade Elham., 3rd Ed., Saayaan Publications, Tehran, Iran (In Persian).
5. Kindred H.M et al., (1995), *International Law, Chiefly as Interpreted and Applied in Canada*.
6. Kish J., (1995), *International Law and Espionage*, Springer; 1ed.
7. Kurt D. S., (1948), *Three Thousand Years of Espionage: An Anthology of the World's Greatest Spy Stories*, New York, Prentice-Hall (In Persian).
8. MirMohammadSaadeghi, Hossein., (2006), *Particular Criminal Law: Crimes against Security and Public Safety*, Mizan Pub., Tehran, Iran (In Persian).
9. Oppenheim L., (1948), *International Law, A Treatise*, (vol.2, 7thed.,) and (1992), *Oppenheim's International Law*, vol.1 (parts 2 to 4), 9thed.,).
10. Peimani, Ziaaddin., (2001), *Particular Criminal Law: Crimes against Security and Public Safety*, Mizan Pub., 5th Ed., Tehran, Iran (In Persian).
11. Saarikhani Adel., (2005), *Particular Criminal Law: Crimes against Security and Public Safety*, Qom University Press, Qom, Iran (In Persian).
12. Tunnell J.E., (1990), *Latest Intelligence: An International Directory of Codes Used by Governemnt, Law Enforcement, Military and Surveillance Agncies*, 101.

13. Validi, MohammadSaleh., (2005), *Particular Criminal Law: Crimes against Security and Public Safety*, Payam-e Noor University Press, Tehran, Iran (In Persian).
14. Wolter D., (2006) *Common Security in Outer Space and International Law*, United Nations Institute for Disarmament Research, Geneva, Switzerland.
15. Ziaei, Bigdeli MohammadReza., (2001), *Laws of War: International Law of Armed Conflicts*, 2nd Ed., Allame Tabatabaei University (In Persian).

Articles)

16. "Pnam Ppprrs Th rrrr tts of rrr ty oo ney,, (2016-09-21) at <http://panamapapers.sueddeutsche.de/en/>
17. Bkkrr C... , (2004), "Torrnnee of Inrrntt on Espoongg A Funooonll Approch,, in *American University International Law Review*, Vol. 19, Issue 5, pp . 1091-1113.
18. Baxter R.R.,(1951), "oo-Called Unprivileged Belligerency: Spies, Guerrillas and bbbouurs,, 28 *BYIL* 323.
19. Bkkk C. nnd oo rr .. W.,(1999), "Candd cccurty rrr v Hssoøllll Outline 1864-1966,, xx eeel nn ee oon .J., *Levolution du renseignement de securite au Canada*, 2.
20. Bram L.L.(ed.), (1995), "Espionage", *Funk & Wagnalls New Encyclopedia*[CD-ROM].
21. Brown Crggg (1999), "Espoongg in Inrrnooon Law A ccc sssry Ev,,, *Faculty of Law, University of Western Ontario*.
22. Cohen J., ; Kovar R., (1960), "L espionnag en temps de paix", 6 *Annuaire francais de droit international* 239.
23. Cohnn .. , (1948), "Espoongg and Immuntty oome Recnnt Probmmsnnd vvv oopmenss,, *BYIL* 404.
24. eee ks Asheey (2015), "nn i drrrnoona Leg aaamework fl r. uurvaaaae,, *Virginia Journal of International Law* 291, Vol.55: 2.
25. Del—ss L., (1984), "Foreggn WarsataJraad., munyyfor Espiona3psaC *AJIL* 53.
26. 66 naan Cam Csss lInrrreepoon Cppbbttt 2000,, a hppp/www.s"66mng duncan/ ic2kreport.htm
27. Edmondson, L.,, (1972), "Espoogag in . mnsnaoon Law,, 5 *Vanderbilt Journal of Transnational Law* 434.
28. kkkkk 11,(2007), "Indvddi— nnd S esponsibttty for Inllll ggnnee hhhh*ing,, oo 2—, *Michigan Journal of International Law*, pp.687-709.
29. Forcese Crggg (2011), ppp wthou Bordrrs Inrrnooon Law and Iniiii i nnee Cooooooo *Journal of National Security and Policy* 179, Vol. 5.
30. French R. ; A. Beliveau, (1979), La GRC et la gestion de la securite nationale 7, cited in *Levolution du renseignement de securite au Canada*, 2.
31. ppp p .. ,200(), "ppynrg for Paaee Expnndng th Absence of hte oormll Rgguoocooof Paaeeim Espioongg", *University of Chicago*.
32. Lbbrr hhhhhkkk, (1911), "Insruoons for hh oo vrrnmen of th Arm of

the nn iddd sssssnn th eeedd (1863) 100 *General Orders* par.88, cited in Halleck H.W., *Military Espionage*, 5 *AJIL* 590.

33. Shafiei, Yusef., (2018), "Humanitarian Espionage Consistent with International Law", *Vatan-e Emrooz Daily*, No. 2412, Tuesday 21 Farvardin 1397, p. 12 (In Persian).
34. mmihh J. ..,(2007), "S niii i enee hhhrring nnd Inrrntt on Law ee yno Addrsss,, *Symposium*.
35. Wright Q., "Espionge nnd th Doctrnr of Non-Intervntion nn Interna Affairs", (1962) in R. Stanger ed., *Essays on Espionage and International Law*, 3.
36. Zrr,, oo hsn nnd Ghrrbbaagh tt us., (2015), "Conf ttween Espocnage nnd eeeddoo of Informooon from th Veewpoin of Inrrrnooon Law,, *Quarterly Journal of Public Law*, Period 45, Vol. 4, Winter 2015 (In Persian).
37. Z,,,,, , eeyydd aa ssrr., nnd oo hammdi oo gggg Aeceaa., (2015), "Th Entrance of Drones into the Air Space of Iran from the Perspective of Inrrrnooon Law,, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Year 18, Spring 2015, Vol 1(67) (In Persian).

C) Documents

38. Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land and its Annex: Regulation Concerning the Laws and Customs of War on Land, the Hague, 18 October 1907), <http://Diana.law.yale.edu/diono/db/4198-21.html>.
39. Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, <http://www.ifs.univie.ac.at/intlaw/konterm/vrkon-en/html/doku/gc-iv.htm>.
40. Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War.
41. Convention Respecting the Laws and Customs of War on Land.
42. Hague Convention, <http://www.lib.byu.edu/~WWi/hague5.html>
43. ICJ Rep., (1980), United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, 24 May 1980: 3.
44. ICJ Rep. (1986), Military and Paramilitary Activities, 27 June 1986: 14, 65 and 123.
45. Prosecutor v. Tadic, Case No. IT-94-1-A, Appeal on the Merits, ICTY, 15 July 1999: Parags 99-145.
46. PCIJ Advisory Opinion, (1931), PCIJ, Ser. A/B, No. 41.
47. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), <http://www.ifs.univie.ac.at/intlaw/crkon-en/html/doku/gc-pi.htm>.
48. UN Doc. A/56/10, 53rd GA Session, Suppl. No. 10, 2001.
49. United States v. McDonald, 265 Fed. 754: *Annual Digest*, 1919-1922, Case No. 298.
50. Verification Protocol of the Comprehensive Nuclear Test-Ban Treaty (CTBT), at <https://www.ctbto.org/fileadmin/content/treaty/treatytext.tt.html>
51. UN General Assembly Res. 2625, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States, 24 October 1970.

D) Internet Cites

52. <http://www.nytimes.com/1995/01/27/us/how-the-fbi-finally-caught-aldrich-ames>

- .html?pagewanted=all&src=pm.
53. http://en.wikipedia.org/wiki/Edward_Lee_Howard
54. http://en.wikipedia.org/wiki/Edwin_P._Wilson
55. <http://www.dadkhahi.net/wiki/index.php/%D8%AC%D8%A7%D8%B3%D9%88%D8%B3%D>
56. <http://www.edwardjayepstein.com/archived/spy.htm>
57. <http://www.m-w.com/dictionary.htm>.
58. Hamed R., <http://basiji-cpr.mihanblog.com/post/168> (In Persian).
59. Zamani M. S., <http://alef.ir/content/view/9473> (In Persian).
60. Najafpoor M., [http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page= definition&UID=30736](http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=30736) (In Persian).
61. Tension between Donald Trump and Denmark as to the Sale of Denmark, <https://www.irna.ir/news/> (In Persian).

